

سینمای مستند، رابط دیالکتیکی بین

سمیه خاتونی
گفت و گو

محسن اسلام‌زاده فیلم‌ساز متولد ۱۳۵۹، اهل مشهد است، که در زمینه مستندسازی به ویژه در مناطق بحرانی و جنگ‌زده فعالیت دارد، او پس از کودتای لیبی و سرنگونی حکومت معمر قذافی به لیبی رفت و «سرار زندان ابوسلیم» را ساخت. مستند «تنها میان طالبان» او نیز جایزه بهترین فیلم بلند مستند را از چهل و چهارمین جشنواره فیلم ویدئو آن‌تن در سال ۱۳۹۶ گرفت. در این کار، او این فرصت استثنایی را یافت که با رهبران طالبان دیدار و گفت‌وگو کند. وی در سال ۱۳۹۴، هنگام ساخت اثری درباره گروه‌های تروریستی در شهر «تکريت» عراق، توسط داعش مجروح شد. مستند سینمایی «هیچ کس منتظر نیست» که این روزها در سینماهای منتخب سراسر کشور روی پرده رفته به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محسن اسلام‌زاده، محصول مرکز مستند سوره است. فیلمبرداری این اثر را علی محمد خانیکی و سلمه اربابون تدوینگری آن را به عهده داشته است. بخش «هیچ کس منتظر نیست» توسط دفتر بخش «رویش» موسسه بهمن سبز انجام می‌شود و اکران‌های منطقه‌ای و رویداد محور برای آن در نظر گرفته شده است، این مستند درباره مرکز نگهداری زنان کارتن خواب و معتاد در میدان شوش تهران است، شخصیت‌های محوری آن سبیده علیزاده و یکی از مددجویان سابق اش به نام مونا است که در کنار موضوع اصلی و پرداختن به شخصیت این دو، به قصه‌هایی از زنان کارتن خواب و بهبود یافتگان اعتیاد و معرفی الگوهای درست در توانبخشی این افراد می‌پردازد. «هیچ کس منتظر نیست» پیش از این در چهلمین جشنواره فیلم فجر و پانزدهمین جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» حضور یافته بود که موفق به کسب جایزه ویژه بهترین فیلم مستند از نگاه داوران ناجی هنر در بخش ملی جشنواره «سینما حقیقت» شد.

معتاد پس از ترک و آزادی از زندان هیچ جا، جز همان پاتق‌های قدیمی و بازگشت نزد دوستان‌شان را ندارد، پس دوباره اعتیاد را از سر می‌گیرد و احتمالاً مدتی بعد مجدداً دستگیر می‌شوند.

مخاطب هدف تان در این فیلم چه کسانی هستند؟

خیلی‌ها، اما مسئولین تصمیم‌گیرنده در اولویت هستند، در سطوح بعدی همکاران مددجو که در این مسیر فعالیت می‌کنند. در تجربه اکران مشهد که این فیلم برای مددجویان «مرکز ترک زنان» نمایش داده شد، بازتاب خوبی داشت، اما باز هم راس هرم مخاطب این فیلم همان مسئولین تصمیم‌گیرنده و پژوهشکده‌های هستند که در حوزه اعتیاد تحقیق می‌کنند. چرا که خوشبختانه من در این فیلم با داشتن یک دوربین صادق توانستم به سوژه‌های مورد بحث بسیار نزدیک شوم، ما حدود پنج ماه در این مناطق رفت و آمد داشتیم و سی جلسه تصاویر مستند ضبط کردیم.

لوکیشن‌های متعددی در فیلمتان دیده می‌شود؟

بله، مناطقی در مرکز و اطراف تهران، مانند شوش، خلایق، اتوبان‌های کناری منطقه ۱۸، حتی در برخی موارد کانال‌های فاضلاب شهری، در کل هر جایی که برای این افراد تبدیل به پاتق شده بود.

تماشای این فیلم، برای کسانی که خودشان درگیر اعتیاد هستند در ایجاد انگیزه و تحول‌شان کار ساز است؟

تجربه‌ای داشتیم از نمایش این فیلم، در کمپ ترک اعتیاد بانوان، بازخورد این نمایش در میان این مخاطبان طوری بود، که خودمان هم به شدت تحت تاثیر قرار گرفتیم. سکانس‌های نهایی این فیلم، تصویری دارد که باعث شد، بانوان این مرکز به صورت دسته‌جمعی و بلند بلند گریه کنند. با دیدن این صحنه من در ابتدا ناراحت شدم از اینکه نکند این فیلم به زخم‌های کهنه این دوستان نمک پاشیده باشد، اما در ادامه و با دیدن انرژی که در محیط اتفاق افتاد متوجه شدم، فیلم هیچ کس منتظر نیست، تلنگری است برای معتادان که بخواهند شرایط را برای خودشان تغییر دهند.

نمایش در میان مسئولین چطور؟ آیا به آنها هم تلنگری زده است!

بله خوشبختانه، چند اتفاق مثبت هم تا بحال رقم خورده است، بطور مثال خانم سبیده علیزاده که همکاری دلسوزانه‌ای با ما در تهیه این فیلم داشتند، موفق به تمديد مجوز مرکز ترک

در ابتدا بگویند که در فیلم شما، چه کسی است که هیچ کس منتظرش نیست؟

این فیلم یک اعتراض به خودمان است، ما بعضی انسان‌ها را زباله‌های اجتماعی می‌دانیم که گویی هیچگاه قابل نجات دادن نیستند. آنها را به فراموشی سپرده و رها می‌کنیم، چنان که مرده‌اند و دیگر منتظرشان نمی‌مانیم، در هیچ کس منتظر نیست، ما می‌بینیم که بعضی از آنها نجات پیدا می‌کنند، یکی از چالش‌های بزرگ این فیلم این است که کسانی را که در بحث اعتیاد به ته خط رسیده‌اند، و غریب به ۲۰ الی ۳۰ سال درگیر هستند و زندگی را با کارتن‌خوابی در پاتق‌های مواد مخدر می‌گذرانند را با مردم آشنا کنیم، مردمی که خیال می‌کنند این گروه اجتماعی، قابلیت بازگشت به اجتماع را ندارند، ولی بعضاً بین اینها کسانی هستند که با یک انگیزه و کورسویی از نور و روشنائی، زندگی گذشته خود را با مرارتی غیر قابل وصف ترک می‌کنند و وارد یک زندگی جدید و سالم می‌شوند، حتی سعی می‌کنند که به دوستان درگیر خود در زندگی گذشته کمک کنند، ولی جامعه متاسفانه با ذهنیت بسته خود، کماکان آن‌ها را نمی‌پذیرد، و با وجود آنکه بازگشت‌شان برایشان مبرز می‌شود، اما همچنان در مواجهه‌ای بی‌رحمانه توسط خانواده و جامعه طرد می‌شوند، و دیگر هیچ کس حاضر به پذیرش آن‌ها نیست.

سوژه شما روی معتادانی متمرکز است که با وجود تغییر روند زندگی خود متاسفانه در جامعه کسی آن‌ها را نمی‌پذیرد و همچنان با عینک بدبینی، به آنها نگاه می‌کند!

بله این معضل بسیار بزرگی است و شاه کلید بحث ترک اعتیاد است، شهرهای بزرگ در جهان و ایران، سخت درگیر این بیماران در سطح شهر هستند، اما از درک راه حل و شاه کلید‌هایی این افراد از دام اعتیاد اطلاعی ندارند، این افراد علاوه بر آسیب‌هایی که به خود می‌زنند، برای جامعه نیز خطر ساز می‌شوند، پس لزوم شناخت راه‌حل برای خروج این افراد از دام اعتیاد بسیار ضروری است. از نظر من شاه کلید‌هایی آنها ابتدا ایجاد انگیزه برای بازگشت‌شان به زندگی است و سپس پذیرش آن‌ها که توسط خانواده و جامعه باید صورت پذیرد. البته اقدام‌های ارزشمندی در این زمینه انجام شده است، مثلاً یک سری کارخانه‌ها در ایران هستند که فقط کسانی را استخدام می‌کنند که دارای سوء سابقه هستند. در مقابل پروسه دستگیری معتادان و به زندان انداختن‌شان تا یک ترک مقطعی و دوباره رها کردن آن‌ها در جامعه‌ای که هیچ اعتباری به آن‌ها نمی‌دهند، یک دور عاقل و باطالی است که جز هزینه و تشدید بزهداری عایدی دیگری ندارد. بعضاً دیده شده افراد

اعتیاد خود نشده بود، که نمایش فیلم در وزارت دفاع مسبب شد، مشکل‌شان مرتفع شود.

از تجربیات خودتان بگویند، چند سال است که در حوزه مستند کار می‌کنید؟

حدود ۱۸ سال است که اختصاصاً در زمینه مستند فعالیت دارم و در این مدت حدود ۶۰ الی ۷۰ فیلم تولید کرده‌ام.

با توجه به سوابق کاری و حضور موفق تان در جشنواره‌های مختلف، دستاورد جشنواره را برای هنرمندان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جشنواره‌ها پایه‌ریز اعتبار اثر و خالق اثر هستند، علاوه بر آن، وجود رقابت برای هنرمند، انگیزه‌هایی ابتدایی را بوجود می‌آورد، اما هنرمند باید بداند که همه چیز جشنواره نیست، چرا که به هر حال برای آثاری که به مرحله نهایی نمی‌رسند،